

نخستین درگیری جنگلی‌ها به روایت اسناد

علی شریعتی

از میان اسناد موجود در خزانه سازمان اسناد ملی ایران، مجموعه اسناد مربوط به نهضت جنگل و اتحاد اسلام را آقای فتح‌الله کشاورز در کتابی تحت عنوان «نهضت جنگل» گردآوری و انتشارات سازمان اسناد به چاپ رسانده است.^۱ لیکن با پژوهش پیگیر کارشناسان، همواره اسنادی جدیدتر از جریانات و وقایع مختلف شناسائی، طبقه‌بندی و قابل استفاده می‌گردد. از آن جمله، سند مربوط به تجسس‌های رئیس وقت نظمیة رشت و نخستین درگیری جنگلی‌ها با عبدالرزاق حاکم فومنات که ابتدا برای آشنایی بیشتر، شرحی مختصر از ماجرا با استناد به کتاب «سردار جنگل» نوشته ابراهیم فخرایی^۲ آورده، سپس به خود اسناد پرداخته می‌شود:

زمانی که نیروهای تحت فرماندهی ژنرال باراتف افسر تزاری روس از بندر انزلی تا همدان نیروهای خود را در مقابل آلمانیها و عثمانیها گسترده و جنگ جهانی اول به نهایت شدت خود رسیده بود، آنان هر حرکتی در این نقاط از جمله جنگلی‌ها را خطری بزرگ برای خود می‌دانستند از این رو به حشمت‌الدوله فرماندار گیلان دستور دادند که نیروهای جنگلی را سرکوب کند. وی به دستور افسینکوف ژنرال قونسول روس و تضرع و التماس عده‌ای از مالکین طراز اول رشت، رئیس شهربانی وقت رشت کاپیتان محمودخان (متین) را همراه

(باغدانف) نماینده قونسول روس به عنوان ناظر و عده‌ای پلیس سواره به منظور یافتن محل اجتماع جنگلی‌ها و گزارش مشاهداتش راهی مأموریت کرد. آنان از پل «حماسرا» بازرسی را آغاز و در مسیر مأموریت خود روستاهای «عینک» - صفحه سر - احمد گوراب - آتشکا - پسیخان - نشامندان - کلاشم و جمعه بازار» را که در یک خط طولی واقعند پیمودند و راههای اصلی و فرعی را زیر نظر گرفتند لیکن با وجود بازرسیهای دقیق موفق به کشف کانون اجتماع جنگلی‌ها نشدند، در نتیجه مأمورین اعزامی فرماندار بدون نتیجه به رشت برگشتند و فقط یک عده پلیس سواره را همراه مأمورین تأمینات (آگاهی) در قریه پسیخان به مراقبت ایاب و ذهاب عابرین گماشته تا به هر کس مظنون شدند دستگیر و بازداشت نمایند.

اما ژنرال قونسول روس^۳ که نیروهای جنگلی را کانون خطرناکی به زیان ارتش امپراطوری تزار می‌دانست با گماشتن پلیس‌های مسلح در پسیخان خاطرش آرام نگرفت و توصیه نمود که عبدالرزاق خان شفتی (یکی از خوانین سرشناس شفت) را که مردی متنفذ و با قدرت بود به حکومت فومنات منصوب نمایند.

عبدالرزاق به نیابت حکومت فومنات اعزام شد و اعتبار کافی برای عملیاتی که از او انتظار می‌رفت در اختیارش قرار گرفت. نامبرده پس از



وزارت جنگ و نیروی دریایی

کتابخانه
شماره ۲
تاریخ
محل

طهران
امروز
۱۳۳۲
صادق

دو روز در مورد که در وزارت جنگ
مستحق است
مستحق است
مستحق است
مستحق است

طرف حکومت رفته که گرفته بیاورد خود بصیرالرعایا را چند روز قبل از طرف قونسولگری گرفته برده شرحی استنطاق کرده بودند چیزی بروز نداده بود این استنطاقات نظمی که سوادش جوقاً به نظر مبارک می رسد خیلی مستحسن و جالب نظر حکومت جلیله و قونسولگری شده مخصوصاً محمودخان مفتش تأمینات در این باب زحمت کشیده تا مسئله را کشف کرده هنوز خود بصیرالرعایا در نظمی استنطاق نشده وقتی که استنطاق شد اقرارات او را هم به حضرت عالی اطلاع خواهم داد.

۲ - از قرار اظهار تائب سوار برای زمستان جل و نمد جهت اسبها لازم است و تهیه آنها در رشت ممکن نیست مقتضی است سی و چهل تخته جل و نمد در طهران و یا در قزوین تهیه فرمائید که زودتر برسد و در موقع سردی هوا اسبها راحت باشند.

۳ - رستم نام که چندی قبل در باغ بزاتوس شبانه صادق نام را تیر زده و جلب به نظمی و توقیف شد اکنون که صادق تیر خورده معالجه شده و حالتش خوب شده رضایت نامه به کسان رستم ضارب داده به اداره مدعی العمومی نیز رضایت خودش را اظهار کرده و اقرارات اولیه

۱۲۹۴ ه. ش) حضور مبارک آقای رییس و تشکل کننده نظمیہ رشت و انزلی - دو ساعت قبل راپورت تلگرافی عرض کرده ام حالا هم که ساعت ۱۲ ظهر دوازدهم اکتوبر است بدین وسیله خاطر مبارک را مستحضر می نمایم که امنیت داخله رشت و انزلی به حالت اولیه خودش برقرار و امورات پیشرفت کامل دارد مسئله عمده که قابل عرض باشد رخ نداده و با کمال اهتمام مشغول کار هستیم محترماً اطلاعات ذیل را به حضرت عالی می دهم:

۱ - دو روز قبل یکی دو نفر آدم مظنون را مأمورین حکومت جلیله از پسیخان گرفته به شهر آورده بودند و به نظمیہ داد که توقیف و استنطاق شوند پس از چندین ورق استنطاق بالاخره یک نفر از آنها دیروز اقراراتی کرد که از اقرارات او معلوم شد بصیرالرعایا تولمی و پسرش همدست با عده جنگلی هستند و مخصوصاً چند روز قبل خود بصیرالرعایا از رشت برای حضرات پول برده است نوکر بصیرالرعایا نیز جلب به نظمیہ شده به همین ترتیب اقرار کرده خود بصیرالرعایا فعلاً در توقیف حکومت است پسرش را هم مأمور از

جلوس بر مسند قدرت به منظور نشان دادن لیاقت و کاردانی خویش عده ای از زارعین و رعایای خود را مسلح نموده آهنگ پسیخان نمود تا به محلی موسوم به «داوسار» که به فاصله کمی از پسیخان واقع است رسید.

جنگلی ها با آنکه تعدادشان بیش از هفده نفر نبود لیکن همه نقاط فومنات و اطراف رشت زیر نفوذشان بود و به مجرد کوچکترین خطری از طریق رعایا آگاه می شدند. و از همین رو بود که عبدالرزاق پیش از آنکه به قول خود علفهای هرز را با داس قدرت خود درو کند جنگلی ها به سروقتش رسیدند و در جنگ، اسماعیل نام یکی از همراهان که به شجاعت شهرت داشت با یحیی خان طارمی «دهدار تکریم» و عموی عبدالرزاق کشته و غلامحسین نام نیز با چند نفر دیگر اسیر گردیدند و عبدالرزاق با بقیه همراهانش گریخت. خبر شکست عبدالرزاق به سرعت در همه نقاط گیلان پیچید و اعتبار جنگلی ها را بالاتر برد.

وزارت داخله، اداره تشکیلات نظمیہ ایران، نمره ۳۲۳۳، مورخه ۱۹ برج میزان توشقان نیل ۱۹۱۵ / ۱۰ / ۱۲ (۱۹ مهر

خودش را که در نظمیۀ اظهار کرده تکذیب کرده می‌گوید رستم عمداً مرا نزد بلکه از روی سهر و خطا زده است امروز کاغذی از مدعی‌المعموم به اداره رسیده می‌نویسد چون رستم سهواً صادق را زده است و برای انجام خودش این شهوداً کرده است بنابراین مدتی را که در توقیف مانده کافی است خوب است او را مرخص نمائید برای اطلاع خاطر مبارک عرض شد که هر طور امر فرماید اطاعت شود.

[امضاء عبدالله خان سیف]

اداره نظمیۀ رشت، سواد راپورت دایره تأمینات، بتاريخ ۱۸ شهر میزان ۱۳۳۳ ق (۱۲۹۴ ش)

مقام منبع محترم ریاست کل تشکیلات نظمیۀ ایالتی گیلان دام اقباله - محترماً خاطر مبارک را مستحضر می‌سازد در موضوع تحقیقات بصیرالرعایا و نوکرهایش که از طرف حکومت فرستاده شده بود امر فرموده بودید رسیدگی شود تحقیقات لازمه به عمل آمد نوکر بصیرالرعایا حسین را تحت استنطاق آورده پس از سیزده ورقه استنطاق انکاری اقرار نمود که در پانزده بوم قبل بصیرالرعایا شبانه آمد به طرف هندوخاله یک شب در آنجا ماند صبح زود سوار اسب شده با یک خورجین پر پول همراه خود برداشته حرکت نموده شب مجدداً مراجعت کرده در منزل خودش به اخویش آقا حسین اظهار نموده که مقداری پول جهت میرزا کوچک خان امروز من بردم به او دادم چون قونسول از من سه روزه الزام گرفته که به شهر مراجعت نمایم از این جهت دیگر وقت نداشته به شهر می‌روم هر چه راپورت که از میرزا کوچک خان به شما میرسد محرمانه جهت من بفرستید حرکت به شهر می‌نماید نیز حسین اظهار نمود که در چهار شب قبل چند نفر در منزل آقا طاهر پسر بصیرالرعایا

انجمن مخفی داشتند و خود من هم حضور داشتم که صورت می‌نوشتم که از اشخاص پول بگیرند پس از آن علی نوکر دیگر بصیرالرعایا را تحت استنطاق آورده نیز عین مطلب حسین را اظهار نموده که بصیرالرعایا پول جهت میرزا کوچک خودش حمل نمود چون خود بصیرالرعایا قبلاً در حکومتی دستگیر شده حسین و علی را که از هندوخاله دستگیر می‌کنند می‌آورند اظهار داشتند به محض ورود به شهر در حکومتی در اطاق شما بصیرالرعایا ارباب خودمان را ملاقات کردیم به ما سفارش نمود که اگر در نظمیۀ از شما استنطاق نمودند به هیچ وجه مطلبی بروز ندهید حسین در جواب می‌گوید نمی‌شود به کلی منکر شد بصیرالرعایا می‌گوید همان قسم که مراد در پانزده روز قبل مرا دستگیر کردند بردند قونسولخانه هر چه از من سوال کردند به هیچ وجه مطلبی بروز ندادم شما هم بروز ندهید حال تا این اندازه از نوکرهای بصیرالرعایا استنطاق شده است و حقیقت مطلب را بیان نمودند تا فردا که خود بصیرالرعایا هم استنطاق شود و این کشف مطلب بسیار جلب توجه قونسولگری شده است که در چندمین جلسات بصیرالرعایا استنطاق نمودند چیزی معلوم نگردید عجب در این است که در همان موقع که سه روزه از قونسولخانه مرخصی گرفته بوده می‌رود همان روز پول جهت میرزا کوچک میبرد و صورت اشخاص را که حسین و علی قلمداد نمودند که هیئت رئیسه میباشند و انجمن در منزل آقا طاهر پسر بصیرالرعایا داشتند آن صورت را هم حسب الامر به ایالت فرستاده شد تا فردا جلب شوند تا در این اداره استنطاق که شده محض استحضاری خاطر مبارک عرض شد سواد مطابق اصل است.

محل مهر و امضاء

وزارت داخله، اداره تشکیلات نظمیۀ ایران، نمره ۳۲۵۲، (مورخه) ۲۰ برج میزان توشقان لیل ۱۳۳۳ ق (مهر ۱۲۹۴ ش)

حضور مبارک آقای رییس و تشکیل کننده نظمیۀ رشت و انزلی - تا این ساعت که دو بعد از ظهر ۱۳ اکتبر است داخله شهر رشت و انزلی در کمال نظم است و با کمال جدیت مشغول کار هستیم در این موقع اطلاعات ذیل را به حضرت عالی می‌دهم دو ساعت قبل هم تلگراف انگلیسی مخابره کرده‌ام:

امروز قبل از ظهر راپورت رسید عبدالرزاق خان مأمور حکومت با چند نفر سوار شفتی که همراه داشت در پشت پسیخان با جنگلی‌ها مصادف شده عده جنگلی‌ها به طرف آنها شلیک کرده‌اند سه نفر از همراهان عبدالرزاق خان تیر خورده و کشته شده گویا بقیه هم فرار کرده‌اند بعد از رسیدن این خبر حکومت جلیله کاپیتن [محمودخان] ژاندارم را خواسته امر کرد که باید با تمام عده ژاندارم بروی به کمک عبدالرزاق خان و جنگ با عده جنگلی و هرگاه برای این کار حاضر نیستی باید با عده خودت برگردی به قزوین - زیرا که جنرال قونسول می‌گوید اگر ژاندارمها برای دفع جنگلی‌ها نروند من آنها را خلع اسلحه می‌کنم کاپیتن ژاندارم مهلت خواسته که امروز بعد از ظهر به وسیله تلگراف حضوری در اینباب از ماژور چلستر کمسب تکلیف نماید. حالا که مشغول عرض این راپورت هستم آژان آمده راپورت داد که نعش دو نفر از همراهان عبدالرزاق خان را به شهر آوردند. در داخل شهر امنیت برقرار است و خبری نیست جز اینکه مردم عصبانی مزاج شده‌اند.

سه نفر از مقصرین پلیکی را که قونسولگری مستقیماً جلب کرده بود امروز تسلیم نظمیۀ نمود. میرزا محمود گارنیه هم از چند روز قبل بر حسب تقاضای قونسولگری در نظمیۀ توقیف

است دو سه نفر دیگر هم که عبدالرزاق خان گرفته فرستاده بود، حکومت به نظمیہ فرستاد دیروز به حکومت گفتم در نظمیہ برای توقیف اینگونه مقصرین جا نداریم گفتگو با آقای رییس تشکیلات تلگراف کنید با وزارت جلیله داخله مذاکره کرده اجازه بگیرند در جنب اداره نظمیہ برای توقیف مقصرین پلٹیکی اجاره نموده حضرات را آنچه تاکنون دستگیر شده و آنچه بعد از این دستگیر می شوند در آنجا توقیف این بود بنده هم عصر به حضرت عالی تلگراف کردم که هر طور امر می فرمایید اطاعت نمایم. چند فقره مطلب در راپورتهای سابق عرض کرده و تکلیف خواسته ام مستدعیم با آقای عبدالله خان دبیر بفرمائید جواب آن مطلب را به بنده بنویسند که مطلع شده از آن قرار رفتار نمایم.

[امضاء عبدالله خان سیف کفیل اداره تشکیلات نظمیہ رشت و انزلی]

وزارت داخله، اداره تشکیلات نظمیہ ایران،
نمره ۳۷۳۵، مورخ ۲۹ برج عقرب توشقان
نیل ۱۳۳۴ ق (۱۲۹۵ ش)

مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت شوکتہ - با کمال احترام خاطر مبارک را مستحضر میدارد که بعد از مسافرت بنده به طهران ایالت جلیله گیلان عبدالرزاق خان حاکم شفت را با عده تفنگچی که چهار و پنج نفر آنها دارای تفنگ پنج تیر و بقیه تفنگهای سرپر داشته اند مأمور دستگیر کردن عده مجتمع در جنگل می نمایند. مشارالیه نیز رفته در یک فرسخی شهر چند روزی توقف می نماید و بالاخره به واسطه دستگیر کردن او چند نفر قاصد جنگلی ها را چند نفر از جنگلی ها بطور مسلح در همان یک فرسخی شهر به عبدالرزاق خان حمله کرده سه نفر از همراهان او را می کشند و خود عبدالرزاق خان فرار کرده در دهات اطراف پنهان میشود تا

پس از ده و پانزده روز به زحمت خودش را به شهر میرساند ایالت جلیله گیلان چند نفر قاصدین جنگلی ها را که عبدالرزاق گرفته به شهر فرستاده بود با عده دیگری از اهل شهر که متهم به همدستی یا جنگلی ها بودند امر به توقیف در محبس نظمیہ می نمایند چون در محبس نظمیہ برای مقصرین پلٹیکی جا نبود و بعلاوه اداره تشکیلات نظمیہ هیچوقت مداخله به امور پلٹیکی نداشته و ندارد لذا آقا میرزا عبدالله خان سیف که در غیاب بنده کفیل اداره تشکیل نظمیہ رشت و انزلی بودند مسئله را به طهران به بنده راپورت دادند و تکلیف خواستند بنده در جواب به ایشان تلگراف کردم که مقصرین را از ایالت جلیله قبول کرده و خانه در خارج برای حفاظت آنها تهیه کرده و آنها را نگاهداری نماید بعد از رسیدن جواب بنده آقا میرزا عبدالله خان سیف هم بر حسب وظیفه اداری خودش اطاعت نموده چند نفر مقصرین را که ایالت جلیله دستگیر فرموده بودند پذیرفته در جای معین نگاهداری می نماید بعد از طرف ایالت جلیله به ایشان گفته میشود که سه نفر از مقصرین مستقیماً از طرف قونسولگری جلب و در قونسولخانه توقیف هستند و قرار شده آنها را هم به نظمیہ تحویل نمایند. چند نفر آژان بفرستید آنها را بیاورند آقا میرزا عبدالله خان فوراً می فرستد آن سه نفر را از قونسولگری تحویل گرفته به نظمیہ می آورند و جزو سایرین نگاهداری می کند و برای آنکه مدارک توقیف آنها معلوم شود (چنانچه خود آنها هم مصر بوده اند در استنطاق خودشان) به وسیله محمودخان مفتش با تأمینات استنطاقی از آنها بعمل آورده برای ایالت می فرستند و ایالت جلیله تأکید در حفظ چند نفر از آنها کرده و چهار و پنج نفر از آنها مرخص می کند نظر به اینکه در استنطاقات مظنونیتی برای آنها معلوم نبوده و فعلاً هم عده از همان مقصرین به امر

ایالت جلیله در تحت حفاظت نظمیہ هستند بدون اینکه اداره تشکیلات نظمیہ مستقیماً دخالتی در جلب یا توقیف آنها داشته باشد زیرا که اداره تشکیلات نظمیہ رشت و انزلی فعلاً به امورات انتظاماتی از قبیل جنحه و جنایت و سرقت و مراقبت دارد دخیل امورات پلٹیکی به هیچ وجه نمی شود و برای رسیدگی اینگونه کارها هنوز شعبه در نظمیہ دائر نشده مگر اینگونه بعد از استحکام اساس اداره تشکیلات بعدها اگر لازم شود شعبه نیز برای رسیدگی امور پلٹیکی شود والا تاکنون ابدأ دخالتی مستقیم در اینباب نشده است احترامات فائمه را به این وسیله تجدید می نماید.

دولت علیہ ایران، وزارت داخله، از طهران به
دشت، نمره ثبت ۱۵۳۹۵/۳۹۲۵، به
تاریخ ۲۸ محرم ۱۳۳۴ / ۳ آذر ۱۲۹۵
ه. ش.

حکومت جلیله گیلان - از قرار راپورتی که از نظمیہ رشت و انزلی رسید چند نفر را به اتهام همراهی با مقصرین جنگلی دستگیر و در نظمیہ آنجا توقیف کرده اید تفصیل چیست و تقصیر این اشخاص چه بوده توضیحاً اعلام دارید. [مطالبی که روی آن خط کشیده شد]: چند نفر مقصر جنگلی را که عبدالرزاق خان مأمور دستگیری آنها بوده امر به توقیف در نظمیہ گردید.

وزارت داخله، اداره پرسنل، نمره ۵۲۸۱،
بتاریخ ۲۵ آبان ۱۳۰۵ ه. ش.

کابینه محترم ریاست وزرا عظام - از وزارت جلیله عدلیه تاریخ تحقیقی انقلاب گیلان را برای تعیین انتهای خدمت مستخدمین خود خواسته اند با مراجعه به سوابق تاریخ قطعی بدست نیامده ولی عباراتی^۹ هست که از آن

کابینه محترمه تلگرافات رمزی در آن تاریخ صادر گردیده متمنی است قدغن فرمائید با مراجعه به سوابق تاریخ تحقیقی را تعیین و اشعار دارند که به وزارت جلیله عدلیه ارسال شود.

امضا از طرف رئیس پرسنل احمد مهر وزارت داخله

[حاشیه]:

آقای میرزا غلامحسین خان و آقای میرزا سید رضا خان معلوم نمایند. خاتمه انقلابات گیلان تدریجی بوده و بعلاوه چندین دفعه امور گیلان تصفیه شد که تا بالاخره در زمان وزارت اعلیحضرت پهلوی سر میرزا کوچک خان را به طهران آوردند که سابقه اش در این وزارتخانه است.

آقای مستوفی جواب تهیه نمائید

ریاست وزرا، نمره عمومی ۹۴۸۸، تاریخ ثبت ۵ آذر ۱۳۰۵.

وزارت جلیله داخله - در جواب مراسله نمره ۵۳۸۱ اشعار می شود که در آرشینو کابینه ریاست وزرا تاریخ تحقیقی انقلاب گیلان بدست نمی آید. زیرا انقلاب آنجا تدریجی و چندین مرتبه نسبت به تصفیه امور گیلان اقدام شده است.

امضا [عنایت الله سمیعی]

* پانویس ها:

۱- کشاورز، فتح الله، نهضت جنگل و اتحاد اسلام (استاد محرمانه و گزارشها)، تهران ۱۳۷۱، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.

۲- فخرایی، ابراهیم، سردار جنگل، تهران ۱۳۴۳،

انتشارات جاویدان.

۳- ابوالفتح خان والایار متولد ۱۲۵۳ ش دارای القاب (منشی باشی - ثقه الدوله - وکیل الملک - حشمت الدوله) فرزند میرزا فضل الله خان وکیل الملک وزیر خلوت برادر میرزا محمد رفیع نظام العلمای تبریزی بوده، ابتدا چون پدرش از سال ۱۳۰۰ ق/ ۱۲۶۲ ش منشی باشی (رئیس الانشا و رئیس دفتر) مظفرالدین میرزای ولیعهد شده بود و در سال ۱۳۰۲ ق/ ۱۲۶۴ ش به لقب دبیرالسلطنه ملقب گردید. میرزا ابوالفتح خان هم از سال ۱۳۰۳ ق/ ۱۲۶۵ ش جزو منشیان ولیعهد وارد خدمت شد. سپس بعنوان مستوفی در نزد محمد علی میرزا (محمد علی شاه) مشغول به کار شد. در سال ۱۳۰۸ ق/ ۱۲۷۰ ش که پدرش ملقب به وکیل الملک شد وی در تبریز در دستگاه ولیعهد همه کاره بود. میرزا نصرالله خان برادرزاده اش ملقب به دبیرالسلطنه شده و جایگاه وی را در دستگاه ولیعهد اشغال کرد؛ میرزا ابوالفتح خان هم منشی باشی ولیعهد گردید. در سال ۱۳۱۱ ق/ ۱۲۷۳ ش لقب ثقه الدوله را به وی تفویض کردند در ایام ولیعهدی محمد علی میرزا و اقامتش در آذربایجان منشی باشی و خازن مهر وی بود. و بعد وکیل الملک پدرش که در اواخر سلطنت مظفرالدین شاه ملقب به وزیر خلوت شده بود به لقب پدر یعنی وکیل الملک ملقب و در سلطنت محمد علی شاه ملقب به حشمت الدوله گردید و ضمن داشتن القابی که برشمریم مناصب امیر تومانی و سرداری نیز داشته است. در سال ۱۳۲۴ هـ ق/ ۱۲۸۵ ش که محمد علی شاه به سلطنت رسید حشمت الدوله از جمله درباریان او بود. وی در کابینه حسن وثوق (وثوق الدوله) از ۷ شهریور ۱۲۹۵ تا ۱۵ خرداد ۱۲۹۶ هـ ش و در کابینه دوم وثوق از ۱۶ مرداد ۱۲۹۷ تا ۱۲ تیر ۱۲۹۹ سمت وزارت جنگ را داشت و در کابینه حسن مشیرالدوله از ۱۲ تیر تا ۱۳ آبان ۱۲۹۹ وزیر داخله بود و بعد در دوره سلطنت رضا شاه دو سال حاکم کرمان بوده است و در سال ۱۳۳۷ ش در سن ۸۴ سالگی در تهران درگذشت. بامداد مهدی، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲، ۱۳ و

۱۴ هجری، ج ۱ تهران ۱۳۵۷، انتشارات زوار. ص ۵۳

- ۵۴

۴- عینک Eynak ده جزء دهستان بخش مرکزی شهرستان رشت، سر راه رشت به فومن قرار دارد.

رزم آرا، حسینعلی [سرتیپ]، فرهنگ جغرافیایی ایران - استان یکم، ج ۲، تهران ۱۳۲۸ ش، چاپخانه ارتش، ص ۱۹۵.

۵- پسیخان در مغرب رشت روی ساحل راست رودخانه پسیخان واقع شده و خانه های این منطقه در جنگل پراکنده می باشند.

رابینو، ه. ل، ولایات دارالمرز در ایران، گیلان، ترجمه جعفر خماسی زاده، ج ۳، رشت ۱۳۶۶، انتشارات طاعتی، ص ۲۷۰

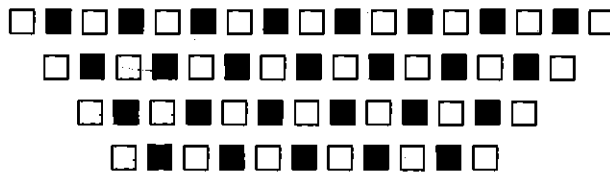
۶- کلاشم از دهکده های ناحیه لیشاوندان و کامازدخ از ناحیه لولمان جزء شهرستان فومن است. رابینو، همان، صص ۲۰۶ و ۲۰۸

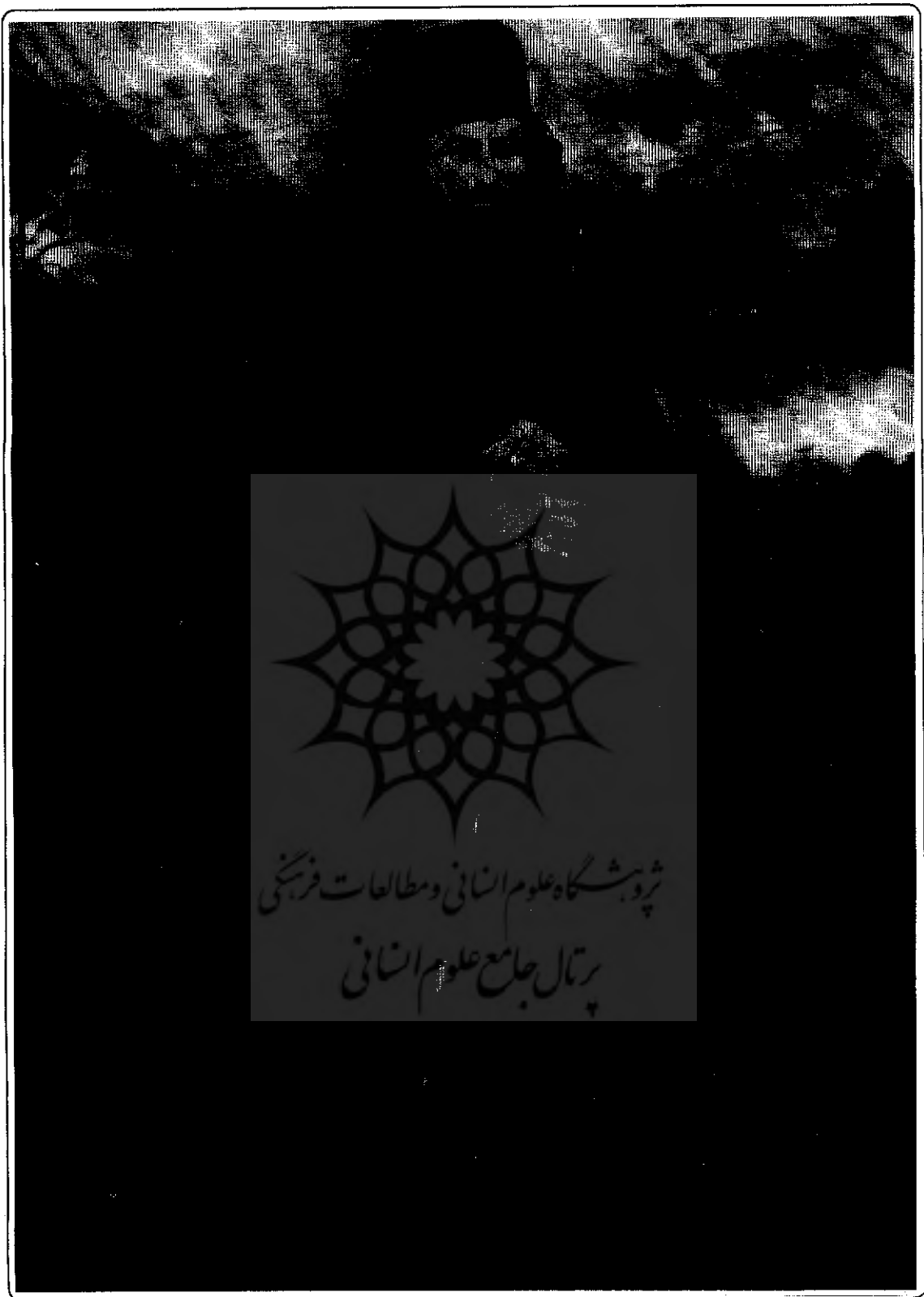
۷- افسینکوف ژنرال قونسول روم در گیلان.

۸- مازور چلستر H.G. Kallsrom از افسران سوئدی تحت فرماندهی یالمارسن در تاریخ ۸ اردیبهشت ۱۲۹۳ هـ ش/ ۲۸ آوریل ۱۹۱۴ م به استخدام ژاندارمری ایران درآمد. در ۲۵ آذر ۱۲۹۵ هـ ش بر اثر سوء تفاهاتی میان ژاندارمها و قزاق قزوین، اختلافاتی به وجود آمد که سبب گردید کار به زد و خورد شدید کشیده شود و دولت برای پایان بخشیدن به تحریکات و گفتگوهایی که احتمالاً بدنبال این واقع پدید می آمده، در نظر گرفت مازور چلستر فرمانده ژاندارمری قزوین را معزول و ژاندارمها را به تهران احضار نماید اما به تصور اینکه «شاید اخراج مازور در آن روز موجب تزیید اقدام خود سرانه او گردد» از عزل او منصرف و فقط او و افرادش را موقتاً به تهران احضار کرد.

قائم مقامی، جهانگیر [سرهنگ]، تاریخ ژاندارمری ایران از قدیمترین ایام تا عصر حاضر، تهران ۱۳۵۵، انتشارات اداره روابط عمومی ژاندارمری کشور. صص ۲۱۷، ۲۷۴.

۹- اصل: ابارتی





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



MINISTÈRE DE L'INTÉRIEUR
Bureau de l'Organisation de la Police
DE PERSE
وزارت داخله
اداره تشکیلات نظمیه ایران

N^o _____
ANNEXE:

Recht, le 12/11/1915

شماره ۱۳۳۴
۱۳۳۴

ضمیمه گزارش در خصوص وضعیت کانون های و مراکز ویرانه ها

در باب امور ویرانه ها و مراکز ویرانه ها در تمام ایالت ها از جمله ایالت های فارس، سیستان، گیلان، مازندران، قزوین، زنجان، اصفهان، آذربایجان، کرمان، هرمزگان، بوشهر، و غیره در تمام ایالت ها در تمام نقاط
در تمام ایالت ها در تمام نقاط ویرانه ها و مراکز ویرانه ها در تمام ایالت ها در تمام نقاط ویرانه ها و مراکز ویرانه ها در تمام ایالت ها در تمام نقاط
در تمام ایالت ها در تمام نقاط ویرانه ها و مراکز ویرانه ها در تمام ایالت ها در تمام نقاط ویرانه ها و مراکز ویرانه ها در تمام ایالت ها در تمام نقاط
در تمام ایالت ها در تمام نقاط ویرانه ها و مراکز ویرانه ها در تمام ایالت ها در تمام نقاط ویرانه ها و مراکز ویرانه ها در تمام ایالت ها در تمام نقاط
در تمام ایالت ها در تمام نقاط ویرانه ها و مراکز ویرانه ها در تمام ایالت ها در تمام نقاط ویرانه ها و مراکز ویرانه ها در تمام ایالت ها در تمام نقاط
در تمام ایالت ها در تمام نقاط ویرانه ها و مراکز ویرانه ها در تمام ایالت ها در تمام نقاط ویرانه ها و مراکز ویرانه ها در تمام ایالت ها در تمام نقاط
در تمام ایالت ها در تمام نقاط ویرانه ها و مراکز ویرانه ها در تمام ایالت ها در تمام نقاط ویرانه ها و مراکز ویرانه ها در تمام ایالت ها در تمام نقاط
در تمام ایالت ها در تمام نقاط ویرانه ها و مراکز ویرانه ها در تمام ایالت ها در تمام نقاط ویرانه ها و مراکز ویرانه ها در تمام ایالت ها در تمام نقاط
در تمام ایالت ها در تمام نقاط ویرانه ها و مراکز ویرانه ها در تمام ایالت ها در تمام نقاط ویرانه ها و مراکز ویرانه ها در تمام ایالت ها در تمام نقاط

در تمام ایالت ها در تمام نقاط ویرانه ها و مراکز ویرانه ها در تمام ایالت ها در تمام نقاط ویرانه ها و مراکز ویرانه ها در تمام ایالت ها در تمام نقاط
در تمام ایالت ها در تمام نقاط ویرانه ها و مراکز ویرانه ها در تمام ایالت ها در تمام نقاط ویرانه ها و مراکز ویرانه ها در تمام ایالت ها در تمام نقاط
در تمام ایالت ها در تمام نقاط ویرانه ها و مراکز ویرانه ها در تمام ایالت ها در تمام نقاط ویرانه ها و مراکز ویرانه ها در تمام ایالت ها در تمام نقاط
در تمام ایالت ها در تمام نقاط ویرانه ها و مراکز ویرانه ها در تمام ایالت ها در تمام نقاط ویرانه ها و مراکز ویرانه ها در تمام ایالت ها در تمام نقاط
در تمام ایالت ها در تمام نقاط ویرانه ها و مراکز ویرانه ها در تمام ایالت ها در تمام نقاط ویرانه ها و مراکز ویرانه ها در تمام ایالت ها در تمام نقاط
در تمام ایالت ها در تمام نقاط ویرانه ها و مراکز ویرانه ها در تمام ایالت ها در تمام نقاط ویرانه ها و مراکز ویرانه ها در تمام ایالت ها در تمام نقاط
در تمام ایالت ها در تمام نقاط ویرانه ها و مراکز ویرانه ها در تمام ایالت ها در تمام نقاط ویرانه ها و مراکز ویرانه ها در تمام ایالت ها در تمام نقاط
در تمام ایالت ها در تمام نقاط ویرانه ها و مراکز ویرانه ها در تمام ایالت ها در تمام نقاط ویرانه ها و مراکز ویرانه ها در تمام ایالت ها در تمام نقاط

معاون وزیر
دوره اول

معاون وزیر

۲۱۱۷۱



اداره نظیه رشت

سواد سلامت وزارت بهداشت
تاریخ ۱۸ - مهر ۱۳۳۳
نمره

مقام منیع محترم ریاست کلینیک فیزیوتراپی رشت

عزیزان مبارک سلام عرض می‌نماید در خصوص کتبیات بصیرت‌رایی و دیگران این در خصوص
فرستاده شده بود از منجه برید بر کتبیات منته هر چه در کتبیات بصیرت‌رایی
آورده پس در نزد درقه اسحاق و کفاری آمده بود در پانزده مه آن بصیرت‌رایی
که بکلیف مندرجه کتیب در آنجا مانع بود از کار باستانه یک خود حین بود که
خود بود که حرکت خودت میدود از جهت کوه در نزد کوهستان در حین آن زمان
در استعدای بول هیت نیز در کتیب فغان از آنجا بودم با و در آن حین و در آن
الذم که در هر شهر که صحبت تمام در حرکت در وقت داشته بهر آنکه در
در نزد کتیب نام در هر شهر که صحبت تمام در حرکت در وقت داشته بهر آنکه در
در هر شهر که صحبت تمام در حرکت در وقت داشته بهر آنکه در
در وقت هر صورت از وقت که در آنجا بودم با و در آن حین و در آن
در وقت اسحاق آورده نیز عیناً طلب حین در آنجا بودم با و در آن حین و در آن
جهت نیز در کتیب حین هر حین حین خود بصیرت‌رایی قید در کتیب و دیگران
در حین در مندرجه فغان و دیگران کنند که در آنجا در وقت که در آنجا



اداره نظیه رشت

سواد نظیه رشت
شماره ۱۹ - مهر ۱۳۲۲
نوم

در کونتر در لاق تا بصیر در لاق در باب خود نزد مکتب کیدیم به، بعد از خود کرد
 نظیه از لاق به لاق خود به پنج و هم بطوری بود زبیر و نیز در لاق به لاق به لاق به لاق
 بصیر در لاق به لاق به لاق به لاق به لاق به لاق به لاق به لاق به لاق به لاق به لاق
 بر چه روزی شد که بعد به پنج و هم بطوری بود زبیر و نیز در لاق به لاق به لاق به لاق
 از کونتر بصیر در لاق به لاق به لاق به لاق به لاق به لاق به لاق به لاق به لاق
 در خود بصیر در لاق به لاق به لاق به لاق به لاق به لاق به لاق به لاق به لاق
 دست در در چندین مکتب است بصیر در لاق به لاق به لاق به لاق به لاق به لاق به لاق
 نیز دست در در لاق به لاق به لاق به لاق به لاق به لاق به لاق به لاق به لاق
 مال روز اول جهت تهیه کلاس بود و صورت و صورت و صورت و صورت و صورت
 بعد از آن جهت تهیه کلاس بود و صورت و صورت و صورت و صورت و صورت
 در بیشتر آن صورت و صورت و صورت و صورت و صورت و صورت و صورت و صورت
 لقا تا این لقا به لاق به لاق به لاق به لاق به لاق به لاق به لاق به لاق به لاق



بایج نوزدهم شهریور ۱۳۴۴
۲۲۵۲

MINISTÈRE DE L'INTÉRIEUR
eau de l'Organisation de la Police
DE PERSE.

وزارت داخله
اداره تشکیلات نظمیه ایران

مخبرکار قهرمان و کهنه سنده بفرست وزارت دارایی

N°
annexe:

تایید است که در روز ۱۳ شهریور در خدمت وزارت دارایی در محل نهمیت و با حال بدت منزل کار بهیم در ایام تعطیلات در منزل
بصرفه بدیم حضرت بهیم معرفت اطلاع خارجه که ام :

امروز در منزل وزارت دارایی در خدمت با حضور آقایان که همراه داشت در وقت نهمیت با حضور کاتبان که اطلاع بهیم
جلسه با طرف آنها شرکت کرد که سه نفر از همکاران عبدالرزاقان سرحدوده و کشته شده که بقیه هم قرار گرفته که بعد از رسیدن این همکاران
باقیین را مدام را خواسته ام که هر چه باقی مانده از مدام و همکاران عبدالرزاقان و همکاران مدام را در این کارها
بدت با مده خودت برگردی نمودن - زیرا که قبلا در وقت مدام در ایام تعطیلات در منزل فراموش شده و اینها را اطلاع داشته مدام
باقین را مدام وقت خواسته که امروز در منزل و بقیه معرفت حضوری در ایام تعطیلات در منزل مدام کتب تکلیف باید
عالمه قبول عرض این را بدست بهیم در آن نامه را بدست بهیم که کهنه سنده قهرمان عبدالرزاقان را شکر آورده من.

در وقت نهمیت در وزارت دارایی در وقت نهمیت و در آنکه مردم عصبانی مراجع شوند
سه نفر از مقررین همکار و دولتی شکیبایی که در روز نهمیت نهمیت مدام (مرکز مدام کار نهمیت) از حضور در وقت نهمیت نهمیت و دولتی
در نهمیت وقت است که سه نفر مدام عبدالرزاقان که در وقت نهمیت مدام در وقت نهمیت مدام در وقت نهمیت مدام
از مقررین مدام کهنه سنده مدام معرفت مدام و وزارت دارایی مدام مدام که در وقت نهمیت مدام
نهمیت خانه برابر وقت مقررین همکار مدام مدام مدام مدام مدام مدام مدام مدام مدام مدام مدام مدام
این نهمیت مدام در وقت مقررین معرفت که هر طور مدام مدام مدام مدام مدام مدام مدام مدام مدام مدام مدام
خواسته ام بدیم آقای عبدالرزاقان در وقت نهمیت جواب آن مدام را بدست مدام مدام مدام مدام مدام مدام مدام مدام مدام مدام

اداره تشکیلات

مخبرکار

۲ نمونه [۵]

تاریخ ۲۵ ربیع الثانی ماه سنه ۱۳۰۵

نمبر ۵۳۸۱۰ ضمیمه



وزارت داخله

اداره: ...

دایره: ...

کابینه محترم ریاست دوزخ اعظم
 از ذلالت جلیه عدلیه تاریخ تقصیر انقلاب گداز را برای تبیین انهای
 خدمات تمدن خود خواستند و با توجه بر این تاریخ تقصیر است شایسته
 و در اقامت و لذت کابینه محترم خدمات روزی در آن تاریخ صادر گردید
 متنوبت و غیره بنده با توجه بر این تاریخ تقصیر را تبیین و انتشار دادند
 که در ذلالت عدلیه در سال ...



بمبئی ۸/۳۰

مرزا حسن ...

فائده انصاف است که در این
 در عهد و چنین وجهه
 تصفیه هر بنا به قانون
 اعظم بر مبنای عدلیه
 بطهران اندوه و ...

۹۴۸۸
 وزارت داخله
 ۱۳۰۵/۴/۱

Handwritten signature

Handwritten mark

۱۶۰ - ل